



مقاله پژوهشی

تبیین مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز در تحقق اصول دولت‌باز

مرتضی نصوحی^۱، اکبر اعتباریان^{۲*}، مهربان هادی پیکانی^۳، رضا ابراهیم‌زاده^۴

مشخصات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

Nosoohi@khuisf.ac.ir

۲. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. (* نویسنده مسئول مقاله)

Etebarian@khuisf.ac.ir

۳. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

M.paykani@khuisf.ac.ir

۴. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

Ebrahimzadeh@khuisf.ac.ir

چکیده

هدف: در این پژوهش هدف آن است که ضمن بررسی مفهوم دولت‌باز و تبیین مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز، این مدل به‌عنوان پشتیبان مفهوم دولت‌باز تبیین گردد. **طراحی/روش شناسی/رویکرد:** در این پژوهش از روش فراترکیب تفسیری - انتقادی استفاده شده است. پس از جستجوی مطالب مرتبط و ارزیابی آن‌ها، ۳۷ منبع انتخاب شده‌اند و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA2020 به کدگذاری، استخراج تم‌ها و ابعاد مدل مذکور پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش: دولت‌باز که شامل سه اصل شفافیت، مشارکت و همکاری است، نیازمند به‌کارگیری مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز که همانا بازتر کردن فرایند سیاست‌گذاری و شنیدن صداهای پس‌زده در فرایند سیاست‌گذاری است، می‌باشد تا بتواند سه اصل مذکور را پشتیبانی کند.

محدودیت‌ها و پیامدها: در این پژوهش بر مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز به‌عنوان پشتیبان تحقق دولت‌باز پرداخته شده است، در پژوهش‌های آتی می‌توان به موضوعاتی از قبیل نقش داده‌باز، نوآوری‌باز یا مبانی حقوقی و قانونی تحقق دولت‌باز پرداخت.

پیامدهای عملی: منطبق با اصل شفافیت دولت‌باز، در مرحله شناسایی مشکل و دستورگذاری فرایند خط‌مشی‌گذاری، از داده‌باز؛ منطبق بر اصل مشارکت دولت‌باز در مرحله تدوین، از نوآوری‌باز، بهره‌گیری از مکانیزم چالش جهت راه‌حل‌یابی و اصول طراحی مشترک با شهروندان و در مرحله تصویب از رأی‌گیری الکترونیکی یا بودجه‌ریزی مشارکتی و منطبق با اصل همکاری در مرحله اجرا و ارزیابی از همکاری مؤثر شهروندان در پذیرش خط‌مشی‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای نظارتی بر پایه فناوری اطلاعات بهره‌برداری می‌شود.

ابتکار ارزش مقاله: با توجه به پیدایش مفهوم دولت‌باز در دهه اخیر و از آنجا که مهم‌ترین کار ویژه دولت‌ها، سیاست‌گذاری عمومی است، ضروری است مدل سیاست‌گذاری پشتیبان تحقق مفهوم دولت‌باز شناسایی و معرفی شود.

نوع مقاله: پژوهشی

کلمات کلیدی: دولت‌باز، مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز، شفافیت، مشارکت و همکاری.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲ تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

منتشر شده توسط دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

jpap.sbu.ac.ir





research paper

Explain the Open Policy Making Model in Realizing Principle of Open Government

Morteza Nosoohi¹, Akbar Etebarian^{2*}, Mehrabaan Hadi Paykani³, Reza Ebrahimzade⁴

Authors

- 1.Ph.D. Student, Public Management, Decision making and public policy, Faculty of Management, Islamic Azad University, khorasgan branch, Isfahan, Iran.
Nosoohi@khuif.ac.ir
- 2.Department of Public Management, Faculty of Management, Islamic Azad University, khorasganbranch, Isfahan, Iran. (Corrsponding author) Etebarian@khuif.ac.i
3. Department of Public Management, Faculty of Management. Islamic Azad University, khorasgan branch, Isfahan, Iran.
M.paykani@khuif.ac.ir
4. Department of Public Management, Faculty of Management, Islamic Azad University, khorasgan branch, Isfahan, Iran.
M.paykani@khuif.ac.ir

Abstract

purpose: The aim is to survey the concept of open government and open policy making models, to explain this model as a support for open government.

Design/ Methodology/ Approach: The interpretive-critical meta-analysis method has been used. After searching for relevant content and evaluating them, 37 sources were selected, then using MAXQDA2020 for coding, extracting themes and dimensions of the model were discussed.

Research finding: It is concluded that the open government, which includes the three principles of transparency, participation, and cooperation, needs to use the open policy making model, which is to open the policy-making process and listen to the voices. It's to be able to support these three principles.

Limitations & Consequences: In this research, the open policy making model has been studied as a supporter of the realization of the open government. In future researches, issues such as open data & open innovation role or legal foundations of open government realization can be addressed.

Practical Consequences: In accordance with the principle of open government transparency, the open data approach is used in problem identification and the agenda-setting stage of the policy-making process. In accordance with the principle of participation in open government in the policy design stage, open innovation approach, using the challenge mechanism to find solutions and principles of co-design, and in the policy legitimacy phase of electronic voting or participatory budgeting will be used. Finally, in accordance with the principle of cooperation in the policy implementation and evaluation phase, the effective cooperation of citizens in accepting policies and using monitoring tools based on information technology is exploited.

Innovation or Value of the Article: The concept of open government has been formed in the last decade and since the most important work of governments is public policy, it is necessary to identify and introduce a policy-making model that supports the open government.

Paper Type: Research paper.

Keywords: Open Government, Open Policy-making Modeling, Transparency, Participation, Cooperation.

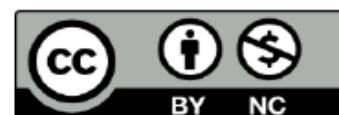
Received Date:2021-3-15

Acception Date: 2021-4-22

Publication Date: 2021-6-22

Publisher: Iran – Tehran – Shahid Beheshti University – Faculty of Management & Accounting

jpap.sbu.ac.ir

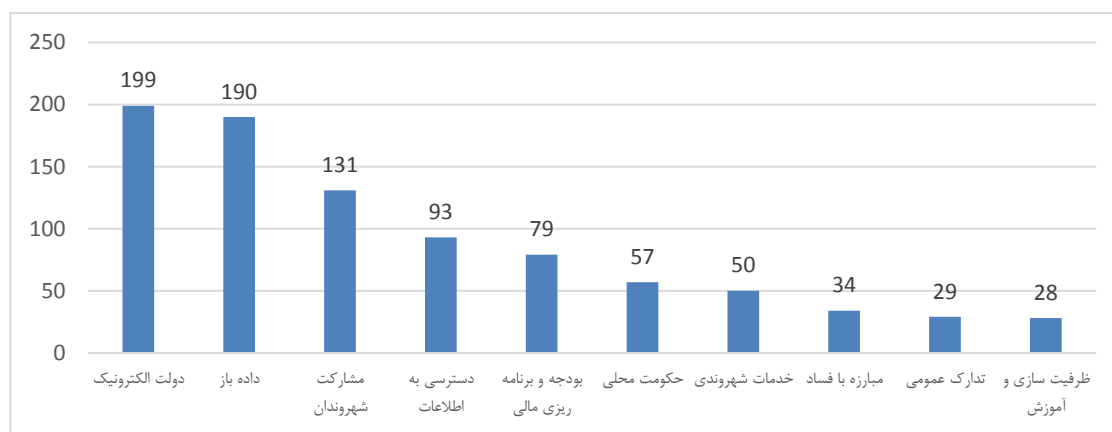


یکی از مفاهیمی که در سیر تحول نقش و وظایف دولت در دهه اخیر مطرح شده است، موضوع دولت‌باز است. با وجود این ادعا که اولین بار دولت اوپاما در سال ۲۰۰۹ به معرفی مفهوم دولت‌باز پرداخت، این مفهوم قبل از آن نیز در ادوار گذشته مطرح بوده است (Bennett, 1985). در ایالات متحده، عنصر اصلی قانونی دولت‌باز در اواسط دهه ۱۹۶۰ پایه‌ریزی شده است (قانون آزادی اطلاعات، ۱۹۶۶). با این حال، دولت اوپاما در سال ۲۰۰۹ به جای رویکرد ارائه اطلاعات بی‌روح، به رویکرد اشتراک‌گذاری فعال اطلاعات پرداخت (Lewis, 2000; Roberts, 2000). این تغییر رویکرد به راه‌اندازی طرح‌های مشابهی در سطوح محلی و ایالتی در ایالات متحده و همچنین در کشورهای دیگر در سراسر جهان انجامید (Elbadawi, 2012). در این رابطه جنبش «مشارکت دولت‌باز» به‌منظور افزایش مشارکت مردمی، مبارزه با فساد و به‌کارگیری فناوری‌های جدید برای ایجاد دولت‌هایی بازتر، اثربخش‌تر و پاسخگوتر در سال ۲۰۱۱ شکل گرفت که تلاش می‌کند اعضای آن حرکتی را در سطح دولت‌باز ایجاد کرده و نوآوری‌باز را در سطح ملی ترویج کنند. جنبش دولت‌باز به دنبال دستیابی به دولتی است که همکاری بین ادارات دولتی و عموم مردم را امکان‌پذیر می‌کند تا شفافیت بیشتر و دموکراسی قوی‌تری حاکم باشد (Mutuku & Colaco, 2012). پنج چالش مد نظر جنبش مذکور در شکل ۱ ارائه شده است.

ارتقای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری	ایجاد جوامع امن‌تر	افزایش کارایی مدیریت منابع عمومی	ارتقای شفافیت و صداقت عمومی	بهبود خدمات عمومی
---------------------------------	--------------------	----------------------------------	-----------------------------	-------------------

شکل ۱: پنج چالش مهم مورد نظر جنبش مشارکت دولت‌باز

تعهداتی که باید در برنامه عملیاتی کشورها جهت عضویت در جنبش مشارکت دولت‌باز درج شوند، باید براساس چهار اصل شفافیت، مشارکت شهروندان، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و بهره‌گیری از فناوری جهت افزایش تعامل با شهروندان باشد. اهداف اصلی که در برنامه‌های عملیاتی کشورهای عضو جنبش مشارکت دولت‌باز ذکر شده‌اند تحقق مواردی است که در شکل ۲ نشان داده شده است:



شکل ۲: اهداف اصلی مذکور در برنامه‌های اقدام دولت‌باز (Tim Hughes & Kaela Scott Paul Maassen, 2012)

اسچول اچ جی و اسچول^۱ ام سی (2014) بیان می‌کنند که شفافیت در تصمیم‌گیری و اقدامات دولتی، باز شدن اطلاعات، مشارکت و همکاری با ذینفعان و همچنین نقش تسهیل‌کننده دولت در نوآوری، از مفاهیم دولت‌باز هستند. از آنجاکه تبیین مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز در مهم‌ترین کار ویژه حاکمیتی مدیریت دولتی، خط‌مشی‌گذاری عمومی است به گونه‌ای که اپل‌بای یکی از صاحب‌نظران، مدیریت دولتی را معادل خط‌مشی‌گذاری عمومی تعریف کرده‌اند (Hadi Paykani, 2016). هدف اصلی این پژوهش آن است که با توجه به تمایل و تلاش زیاد در کشورهای مختلف در جهت تحقق دولت‌باز ضمن بررسی این مفهوم، پشتیبانی مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز از مفهوم دولت‌باز تبیین گردد. در واقع، سؤال اصلی این پژوهش آن است که مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز آیا اصول دولت‌باز را حمایت می‌کند و اگر پاسخ بلی است چگونه این پشتیبانی محقق می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع مقاله در این بخش موضوع دولت‌باز و اصول آن و خط‌مشی‌گذاری‌باز بررسی می‌شود.

دولت‌باز

سرعت تغییرات و عدم مداخله به موقع و مؤثر دولت‌ها، در برخی از مواقع موجب ایجاد بحران‌های شدید جهانی و منطقه‌ای شده است، مکانیزم‌های قدیمی تنظیم‌گری، مقررات‌گذاری و همچنین فرایندهای مربوط به تصویب و اجرای سیاست‌ها و نظارت بر آن‌ها، هنگامی که با تغییرات و پیشرفت‌های سریع مواجه می‌شوند، کمتر توانایی دارند و باید مکانیزم‌های جدید، هوشمندانه و مؤثر در سطح ملی / منطقه‌ای پیدا کرد که ضمن حفظ اصول فرآیند دموکراتیک با سرعت تغییر یابند (Scholl & Klischewski, 2007). بر این اساس مفهوم دولت‌باز در دهه اخیر جایگاه ویژه‌ای یافته است. در جدول ۱ مقایسه سیستم بوروکراسی با مدیریت دولتی نوین و دولت‌باز به لحاظ ساختار دولت، نگاه به شهروندان و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات ارائه شده است:

جدول ۱. بازیگران و مدل‌های حکمرانی (Policy Studies Organization, 2016)

	بوروکراسی	مدیریت دولتی نوین	دولت‌باز (حکمرانی همکاری)
دولت	دارای ساختار: یکپارچه، سلسله‌مراتبی و تخصصی	دارای ساختار: انعطاف‌پذیر و غیرمتمرکز (مستقل)	دارای ساختار: شبکه
شهروندان	دارای مؤسسات: با ویژگی اعمال قانون	دارای مؤسسات: با ویژگی مدل‌های مدیریتی بخش خصوصی	مؤسسات دولتی: به‌عنوان یک بستر و چارچوب تسهیل‌کننده
شهروندان	عضو برون‌سازمانی	مشتری	همکار
فناوری دیجیتال	ندارد	دولت الکترونیکی، ارائه خدمات الکترونیکی	پلتفرم‌های آنلاین برای گفتگو و همکاری

همان‌گونه که مشخص است در دولت‌باز نگاه به شهروندان به‌عنوان همکار تغییر یافته است و همچنین ساختار شبکه‌ای حاکم است به گونه‌ای که عناصر شبکه روابط بالا به پایینی نداشته و اعضای در ارتباط و هم‌سطح هستند. نقش مؤسسات دولتی به‌عنوان یک بستر و چارچوب تسهیل‌کننده ارتباطات است. همچنین، فناوری اطلاعات در دولت‌باز یک نقش اساسی به‌عهده دارد و پلتفرم مورد نیاز برای گفتگو بین عناصر شبکه، تصمیم‌گیری‌های مشترک و همکاری اعضای شبکه با یکدیگر را فراهم می‌آورد. دولت‌باز بر پایه سه ستون شفافیت، مشارکت و همکاری برقرار است که در ادامه به توضیح این مفاهیم مرتبط پرداخته شده است.

شفافیت یکی از ستون‌های دولت‌باز است که بیشتر مقالات تحقیقی بر این موضوع تمرکز دارند. اصول سیاست اطلاعاتی که به شفافیت دولت مربوط می‌شود، از قرن هجدهم در قانون آمریکا تجسم یافته است (Dawes, 2010) بال^۱ (2009) اعلام کرده است که شفافیت از طریق جذب حمایت اجتماعی، دولت، رسانه‌ها و کسب‌وکارها به تصمیم‌گیری کمک می‌کند. ون دورن^۲، کالو^۳ و لونت^۴ (2012) بیان کردند شفافیت دارای سه حوزه ضروری است. اول، انتشار سیستماتیک و به‌موقع داده‌های دولت به‌ویژه داده‌های بودجه، دوم انتشار اطلاعات مجلس قانون‌گذاری و سوم انتشار اطلاعات جامعه‌مدنی و سازمان‌های غیردولتی از طریق رسانه‌ها. یک الزام شفافیت این است که اطمینان از دسترسی عمومی به اطلاعات وجود داشته باشد (Dawes, 2010). در واقع، انتشار به موقع اطلاعات، جزو ضروری شفافیت است (Mc Dermott, 2010). دسترسی به‌موقع به اطلاعات مستلزم تلاش فراوان و نیازمند کارکنان آموزش‌دیده در ادارات دولتی است که حتماً هزینه‌هایی را نیز دربر دارد. هدف اصلی طرح‌های شفافیت، تقویت پاسخگویی سازمان‌های دولتی به عموم مردم است (Shkabaturm, 2013) شفافیت اعتماد عمومی را در کار دولت افزایش می‌دهد. بنابراین، شفافیت یک آرمان دموکراتیک پایه‌ای است و وبسایت‌های دولتی ابزاری برای افزایش چنین شفافیتی هستند. علاوه‌براین، استفاده گسترده از اینترنت، همراه با الزامات و حمایت‌های قانونی موجب شفافیت بیشتر دولت می‌شود (Bremer, 2013). تقویت شفافیت با به‌کارگیری سیاست داده‌باز محقق می‌گردد، داده‌باز، داده‌های ساختاریافته، قابل خوانش و پردازش توسط ماشین که از سوی سازمان‌های دولتی (که بودجه عمومی دریافت می‌کنند)، به‌صورت فعال روی وب منتشر می‌شوند تا عموم مردم بتوانند آن داده‌ها را بدون محدودیت و پرداخت هزینه‌ای، مورد استفاده مجدد قرار دهند که به این امر سیاست داده‌باز می‌گویند. داده‌های دولت‌باز نه تنها شفافیت و پاسخگویی یک دولت را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند منجر به ایجاد منافع اقتصادی، کشف راه‌حل‌های نوآورانه برای پیشرفت جامعه و همچنین پشتیبانی از کارکردهای ادارات دولتی شود. (Bertot & et al., 2012; Parycek & et al., 2014; Bakıcı & et al., 2013; Dulong & Janssen, 2014; Kalampokis & et al., 2011). از دیگر مزایای مهم ناشی از داده‌باز می‌توان به جلوگیری از فساد، افزایش انگیزه کارمندان خدمات عمومی به دلیل استفاده مجدد از داده‌های منتشرشده در تولید خدمات جدید، شهروندان آگاه‌تر، مشارکت پیشرفته شهروندان و ایجاد اشتغال‌های جدید اشاره کرد (Parycek & et al., 2014). انتشار داده‌های حکومتی مانند ترافیک، هواشناسی، بودجه، داده‌های جغرافیایی و مکانی، امکان ایجاد خدمات جدید برای شهروندان را فراهم می‌آورد که جدا از سودآوری، می‌تواند در راستای تأمین منافع عمومی باشد (Bertot & et al., 2012).

مشارکت

مشارکت دومین اصل دولت‌باز است. تا به امروز در تحقیقات به موضوع مشارکت درمقایسه با شفافیت کمتر توجه شده است. هریسون^۵، گرر^۶، بورک^۷ و کوک^۸ (2012) مشارکت را به‌عنوان مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری درباره امور مدنی مربوط به خود از طریق بحث و مشورت می‌دانند. به‌طور کلی، مشارکت شهروندان برای توسعه هر دموکراسی امری حیاتی است، اما مزایا و معایبی وجود دارد (Reddick & Ganapati, 2011). مشارکت می‌تواند یک دموکراسی مؤثرتر را رقم بزند و اعتماد بیشتری به دولت ایجاد کند (Luna-Reyes & Chun, 2012). گفته می‌شود مشارکت شهروندان به بهبود عملکرد دولت از طریق پاسخگویی بیشتر کمک می‌کند. در این رابطه یک چالش جدی این است که مشارکت

1. Ball

2. Van Dooren

3. Caluwe

4. Lonti

5. Harrison

6. Guerrero

7. Burke

8. Cook

عمومی می‌تواند سیاست‌گذاری عمومی را پیچیده کند. همچنین، از چالش‌های دیگر مشارکت، هزینه‌های درگیرسازی و ماهیت زمان‌گیر آن برای تصمیم‌گیری‌های مشارکتی است (Reddick & Ganapati, 2011). مشارکت سبب تقویت همفکری مردم از طریق ایجاد فرصت‌های عمومی برای مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و دستیابی به ایده‌ها و تخصص‌های مردم شود. این نوع مشارکت موجب افزایش اثربخشی دولت و بهبود کیفیت تصمیمات آن می‌شود که تأمین منافع عمومی را افزایش می‌دهد (Chun & et al., 2010). امروزه دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای از طریق مشارکت مستقیم به مشورت‌های اینترنتی شهروندان دسترسی دارند. همچنین، مردم به داده‌هایی دسترسی دارند که به تسهیل مشارکت آگاهانه آن‌ها کمک می‌کند. مشارکت الکترونیکی بسیار دشوار است، زیرا اکثر دولت‌ها از مشارکت الکترونیکی، صرفاً برای ارسال و جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند و از این اطلاعات برای ارتقای تصمیم‌گیری استفاده نمی‌کنند (Reddick & Ganapati, 2011). علاوه‌براین، سازمان‌های دولتی تلاش می‌کنند اطلاعات را از شهروندان از طریق کانال‌های رسانه‌های اجتماعی بیرون بکشند و برای تحقق افزایش مشارکت، درخواست‌های شهروندان، دیدگاه‌ها، نظرسنجی‌ها را استفاده می‌کنند (Mergel, 2012). بعضی از سازمان‌ها در حال حاضر از سیستم عامل‌های رسانه‌های اجتماعی برای مشارکت با مردم بهره‌برداری می‌کنند. در این رابطه برای ایجاد مشارکت قوی، نیاز به ایجاد سیاست‌های جامع در مورد استفاده دولت از رسانه‌های اجتماعی و سایر فناوری‌ها وجود دارد.

همکاری

به‌عنوان سومین ستون حکومت‌باز، تاکنون به موضوع همکاری کمترین توجه در تحقیقات شده است. بر خلاف شفافیت و مشارکت، همکاری به‌طور سنتی با تئوری سیاسی دموکراتیک ارتباط مستقیم ندارد (Harrison & et al., 2012). همکاری در حال تبدیل شدن به بحث علمی غالب در بخش عمومی است (Ani Matei & Sergiu Ioan Irimia, 2014). همکاری به مردم اجازه می‌دهد که در کار دولت درگیر شوند. بنابراین، مردم باید با دولت همکاری کنند تا راه‌حل‌های نوین و نوآورانه برای مشکلات ناشی از دولت و جامعه محقق گردد (Deckert & Stern, 2011). با همکاری فعالانه، شهروندان در کار دولت خود درگیر می‌شوند. ادارات و سازمان‌های اجرایی باید از ابزارها، روش‌ها و سیستم‌های نوآورانه برای همکاری میان خود، در همه سطوح دولت و سازمان‌های غیرانتفاعی، کسب‌وکارها و افراد در بخش خصوصی استفاده کنند. علاوه‌براین، ادارات اجرایی و سازمان‌ها باید از بازخورد عمومی برای ارزیابی و بهبود سطح همکاری و شناسایی فرصت‌های جدید برای همکاری استفاده کنند (Obama, 2009). ایجاد فرصت‌های جدید برای همکاری، نیاز به ایجاد روش‌های جدید و مدل‌های جدید برای ترویج همکاری توسط دولت دارد (Luna-Reyes & Chun, 2012; Reddick & Ganapati, 2011). در ادبیات مدیریت همکاری چندین اصل وجود دارد که می‌تواند به ترویج دولت‌باز از طریق دولت الکترونیکی منجر شود. این اصول، همکاری را نه تنها به‌عنوان یک فرایند محوری، بلکه به‌عنوان راهی برای نظارت و ارزیابی تلاش‌های مشترک، می‌بینند. چون، شالمن، سندوال و هوی (2010) اشاره کرده‌اند که ادارات و سازمان‌های اجرایی باید از ابزارها، روش‌ها و سیستم‌های نوآورانه برای همکاری میان خود، در همه سطوح دولت و سازمان‌های غیرانتفاعی، کسب‌وکارها و افراد در بخش خصوصی استفاده کنند. سیستم‌های شبکه‌های اجتماعی، همکاری گسترده در توزیع و اشتراک اطلاعات و بهره‌گیری از خردجمعی در زمینه سیاست‌گذاری را در تمام سطوح فراهم می‌کند. برای همکاری بین آژانس‌های دولتی و بین دولت‌ها و شهروندان، باید داده‌ها یکپارچه و به اشتراک گذاشته شوند. پس از ارائه اطلاعاتی در خصوص تبیین مفهوم دولت‌باز و اصول مرتبط با آن در ادامه به تبیین موضوع خط‌مشی‌گذاری باز پرداخته می‌شود.

خط‌مشی‌گذاری باز

در ادبیات موضوع خط‌مشی‌گذاری عمومی، دو مدل کلان وجود دارد. یکی به گونه‌بندی انواع خط‌مشی‌ها می‌پردازد که به‌عنوان نمونه می‌توان به خط‌مشی‌های قضایی، اجرایی و تقنینی یا ماهوی و رویه‌ای یا نمادین و مادی یا توزیعی، بازتوزیعی و تنظیمی یا فراگیر، هادی و عمومی و... اشاره کرد (Hadi Paykani, 2016).

دیگری مدل چرخه‌ای سیاست‌گذاری عمومی است (Smith & Larimer, 2013) که در آن، مراحل شناسایی مشکل، دستورگذاری، تدوین، تصویب، اجرا و ارزیابی تفکیک شده‌اند که البته مسیر بازخوردی مابین مراحل پیش‌گفته نیز وجود دارد و برای هر کدام از مراحل مذکور، در منابع مختلف مدل‌هایی ارائه شده است. به‌عنوان نمونه، در مرحله دستورگذاری مدل‌های ابتکار درونی، ابتکار بیرونی، بسیج و رسانه معرفی شده‌اند یا در مرحله تدوین، مدل‌های نهادی، فرایندی، تئوری بازی، عقلایی، نخبگی و... ارائه شده است (Hadi Paykani, 2016). نکته مهم آن است که در بهترین حالت، این مدل‌ها عمدتاً متأثر از رویکردهای مبتنی بر دموکراسی نمایندگی و بسته‌بودن اطلاعات خاص در نزد افراد حاکمیتی است. در این حالت سیاست‌گذاران با متن جامعه و خواسته‌های ایشان بیگانگی بیشتری داشته و اساساً نظرات جوامع را در سیاست‌های خود در نظر نمی‌گیرند (Gholipoor & et al, 2019). هرچند در طول زمان با حرکت به سمت برخی از مدل‌ها سعی شده است که بازیگران دیگری در خط‌مشی‌گذاری نقش‌آفرینی کنند، به‌عنوان نمونه در مدل اجرا با تأکید بر رویکرد پایین به بالا، بوروکرات‌ها نیز در خط‌مشی‌گذاری نقش می‌یابند، ولی باید توجه داشت که در این حالت نیز تمامی بازیگران از بدنه حاکمیتی هستند و یا در مدل شبکه‌ای سعی شده است که فضای سیاست‌گذاری بازتر شود و ذینفعان مختلف درگیر موضوعات و مراحل مختلف چرخه سیاست‌گذاری عمومی شوند، ولی تأثیرگذاری ذینفعان بیشتر در قالب نهادهاست. باید توجه داشت که مدل‌های رایج و سنتی سیاست‌گذاری برآورده‌کننده نقش و انتظارات قدیمی دولت‌هاست و امروزه دیگر پاسخگو نیست. در واقع، به مدل‌های سیاست‌گذاری سنتی انتقاداتی از قبیل موارد زیر وارد است:

- خط‌مشی‌ها براساس نظرات افراد محدودی تهیه می‌شود.
 - خط‌مشی‌ها قبل از اعلام، به اندازه کافی در معرض چالش برون‌سازمانی قرار نمی‌گیرد.
 - روند سیاست‌گذاری و مدارک و شواهد مورد استفاده در سیاست‌گذاری به اندازه کافی شفاف نیستند.
 - سیاست‌ها به صورت ناکافی، واقعیتی را که شهروندان تجربه می‌کنند منعکس می‌کند.
 - خط‌مشی‌ها غالباً بدون توجه کافی با نظرات افراد مجری، تدوین می‌شود.
- به نظر با پیدایش مفهوم دولت‌باز و خط‌مشی‌گذاری باز قرار است انتقادات فوق برطرف شود. خط‌مشی‌گذاری باز در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است به‌گونه‌ای که موضوع خط‌مشی‌گذاری باز، محور اصلی دومین کنفرانس نوآوری سیاسی در کانادا در سال ۲۰۱۶ بوده است (Open policy making in a digital age, 2016). گزارش اتحادیه اروپا و گزارش برنامه اصلاحات انگلیس (Open Policy Making in the EU Lessons and Opportunities, 2016) خط‌مشی‌گذاری عمومی باز را رویکرد جدیدی جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در عرصه سیاست‌گذاری مطرح می‌کند. خط‌مشی‌گذاری عمومی باز در مورد سیاست‌گذاری بهتر با پذیرش ایده‌های جدید، روش‌های جدید کار، بینش‌های جدید، اسناد و مدارک جدید و پذیرش کارشناسان مختلف و بازبودن نسبت به این موضوعات است. به‌عبارتی، این مدل خط‌مشی‌گذاری، گشودن کل روند سیاست‌گذاری بر ایده‌های نو، تخصص‌ها و شنیدن صداهای مختلف به‌ویژه صداهای پس‌زده است. در این رویکرد حاکمیت، نخبگان و مردم می‌توانند با هم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کنند. سیاست‌گذاری و تحقق پارادایم داده‌باز حاکمیتی، علاوه بر توسعه و افزایش توان فناوریانه کشور، در افزایش مشارکت فعال، همه‌جانبه و مؤثر مردم و نخبگان و اعتماد اجتماعی به حاکمیت تأثیر گسترده‌ای داشته (Abdolhosseinzadeh & et al, 2017) و در چارچوب سیاست‌گذاری باز دو نوع بازبودن از درون به بیرون که همان شفافیت است و بازبودن از بیرون به درون که همان مشارکت است (Gholipoor & et al, 2019) وجود دارد.

منافع زیر را برای خط‌مشی‌گذاری باز می‌توان ذکر نمود:

- محافظت در برابر سلطه تصمیم‌گیری گروه‌های کوچک از متخصصان یا نخبگان با دیدگاه‌های خاص و بهبود اثربخشی ارائه خدمات.
- خط‌مشی‌گذاری مطابق با ارزش‌های جمعی و تأمین منافع عمومی
- توانمندسازی افراد مشارکت‌کننده و افزایش اعتماد به فرایند تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری و تقویت مشروعیت

- تقویت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی
- تحقق بیشتر قرارداد اجتماعی.
- تحقق بیشتر حکمرانی خوب.
- ایجاد تعامل سازنده بین شهروندان، کارمندان دولت و سیاست‌گذاران.
- تحقق اقدام جمعی.

روش‌شناسی

به‌منظور پاسخگویی به پرسش پژوهش حاضر از یک روش فراترکیب تفسیری - انتقادی استفاده شده است. این روش توسط محقر و همکاران (2018) در مقاله‌ای با عنوان فراترکیب روش‌های مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده فنی - اجتماعی با رویکرد پارادایم چندگانه - روش‌شناسی چندگانه نیز به‌کار گرفته شده است. در فراترکیب، تحقیقات مختلف در مفهومی کلان‌تر با هدف خلق یافته‌هایی که به‌طور مستقیم با پدیده در ارتباط هستند بررسی می‌شوند (Paterson & et al., 2009). در واقع، فراترکیب بهره‌گیری از رویکردهایی جهت مرور مطالعات و مقایسه آن‌هاست (Edwards & Kaimal, 2016). در فراترکیب ضمن بررسی اطلاعات و یافته‌های مرتبط و مشابه، ترجمه و تفسیر عمیقی از موضوع ارائه می‌گردد. ترجمه مطالعات، به پژوهشگران توانایی می‌دهند تا هم‌زمان درک کنند که چطور مطالعات مختلف به یکدیگر مرتبط‌اند (Bench & Day, 2010). فراترکیب‌ها از جمع جبری اجزای خود (هر مطالعه منفرد) فراتر بوده و پیشنهاد تفسیر جدیدی از یافته‌ها را با رویکردی استقرایی می‌دهند. این تفسیرها در هر یک از تحقیقات اولیه پیدا نخواهند شد و استنباط‌هایی استخراج شده هستند که در قالب گزارشی به‌عنوان یک کل ارائه می‌شوند (Thomas & Harden, 2008). رویکرد انتخابی تحقیق حاضر برای اجرای فراترکیب روش ترکیب تفسیری - انتقادی است. این روش توسط دیکسون وودز^۱ و همکاران (2006) با در نظر گرفتن طیفی از مباحث در اجرای روش‌شناسی‌های مرور سیستماتیک و فراترکیب شناسایی شده است. این روش به دنبال انتقاد از پیشینه به‌صورت پویا، تکرار شونده و عمیق است. با وجود این با توجه به مشابهت و ریشه یکسان این روش با روش‌های فرا قوم‌نگاری نوبلیت^۲ و هیر^۳ (1988) و ترکیب تماتیک توماس و هاردن (2008)، سعی شده از نسخه‌ای توسعه‌یافته از ترکیب تفسیری انتقادی، با بهره‌گیری از نقاط مثبت این دو روش استفاده شود.

مراحل فراترکیب تفسیری - انتقادی

مراحل فراترکیب تفسیری عبارت‌اند از طراحی پرسش جهت مرور مطالب؛ جستجوی ادبیات؛ نمونه‌گیری؛ تعیین کیفیت؛ استخراج داده‌ها و ساخت یک ترکیب تفسیری که در این مرحله مطابق با روش پیشنهادی دیکسون وودز و همکاران (2006) و توماس و هاردن (2008) روی تم‌های استخراج‌شده، تحلیل‌های زیر انجام می‌شود:

- خلق سازه‌های ترکیبی با ترکیب خطوط استدلال.
- سازه‌های ترکیبی نتیجه تغییر شکل یافته، نتایج اولیه و زیربنایی به شکل یک مفهوم جدید است.
- خلق سازه‌های تحلیلی با تفسیر کلی سازه‌های ترکیبی

طراحی پرسش جهت مرور مطالب

در این روش، پرسش تحقیق اولیه، کلی و منعطف بوده و اجازه می‌دهد تعریف پدیده، ابعاد و پیامدهای آن و عوامل مؤثر بر آن پدیده از تحلیل محقق از ادبیات ظهور پیدا کند. در این مرحله رویکردی تکرار شونده برای تعیین پرسش مرور اتخاذ می‌شود و این پرسش در پاسخ به نتایج و یافته‌های مطالعه، اصلاح می‌شود. پرسش‌های مرور می‌تواند با پرسش و مسئله تحقیق متفاوت باشد، ولی باید به‌گونه‌ای طرح شوند که به حل مسئله اصلی تحقیق و شناخت پدیده مورد نظر کمک کنند.

1. Dixon-Woods

2. Noblit

3. Hare

پرسش‌های مرور در این پژوهش که در طول بررسی مورد استفاده قرار گرفتند عبارت بودند از: " دولت باز چیست؟ ابعاد و اهداف دولت باز چیست؟ خط‌مشی‌گذاری باز چیست؟ خط‌مشی‌گذاری باز چه ارتباطی با نوع حکمرانی و دولت دارد؟ خط‌مشی‌گذاری باز با دولت الکترونیک چه ارتباطی دارد؟ ارتباط خط‌مشی‌گذاری باز با مشارکت مردمی چیست؟ دولت به‌مثابه پلتفرم به چه معناست و چگونه با خط‌مشی‌گذاری باز ارتباط می‌یابد؟ شاخص‌های حکمرانی خوب و به‌ویژه شفافیت چگونه با خط‌مشی‌گذاری باز مرتبط است؟" پرسش‌های فوق مبنایی برای جستجوی تکرارشونده ادبیات بودند.

جستجوی ادبیات

استراتژی‌های جستجو در رویکردهای متعارف، به‌طور عمده متکی بر جستجو در پایگاه‌های داده الکترونیکی هستند. اما این رویکرد در ترکیب تفسیری انتقادی کافی نیست. دیکسون وودز و همکاران (2006) در این مرحله از فرایند ارگانیک مناسبی با ماهیت مطالعه نام می‌برند. از این‌رو، استراتژی جستجوی این مطالعه شامل جستجوی پایگاه‌های داده الکترونیکی مانند سید، سیوپلیکا، ایراندک، گوگل اسکولار، جستجوی وبسایت‌ها مانند بررسی گزارشات در سایت OECD، بررسی زنجیره منابع و بررسی کتاب‌های مرتبط با موضوع بوده‌اند. واژه‌های کلیدی استفاده‌شده با توجه به پرسش‌های مرور انتخاب شدند و همان‌گونه که پرسش‌های مرور پس از دستیابی به نتایج اولیه و بررسی آن‌ها توسعه می‌یافتند، کلیدواژه‌ها نیز اضافه می‌شدند. در نهایت، کلیدواژه‌های استفاده‌شده در فرایند جستجو عبارت بودند از:

جدول ۲. کلیدواژه‌های جستجو

کلیدواژه‌های لاتین	کلیدواژه‌های فارسی
open government, principle of open government, open government models, action plan for open government, open policy-making model and open government, open policy making & good governance, open policy making & digital government, e- government and open policy making model, open government and transparency, participation, colaboratin	دولت باز، ابعاد دولت باز، اهداف دولت باز، تاریخچه دولت باز، مدل‌های دولت باز، تجربیات دولت باز در کشورهای توسعه‌یافته، دولت باز و شفافیت، دولت باز و مشارکت، دولت باز و همکاری، دولت باز و پاسخگویی، دولت باز و خط‌مشی‌گذاری باز، مدل‌های خط‌مشی‌گذاری باز و حکمرانی، مدل‌های جدید خط‌مشی‌گذاری، دولت الکترونیک و خط‌مشی‌گذاری باز و...

با توجه به جستجوهای انجام‌شده بیش از ۵۰۰ مطلب یافت شد و جستجو تا زمانی ادامه یافت که با به‌کارگیری کلیدواژه‌های مختلف نتایج تکراری حاصل می‌شد.

نمونه‌گیری

روش‌های متعارف مرور سیستماتیک، تعداد مقالات را با معیارهای ارزیابی محدود می‌کنند. برای انتخاب مطالب ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها انجام شد.

تعیین کیفیت

در این مرحله از چک‌لیست کنترل کیفیت مقالات برای تعیین کیفیت مقالات از ابزار CASP استفاده شد و با امتیازدهی به موارد زیر موضوع تعیین کیفیت کنترل شد:

• اهداف تحقیق	• ملاحظات اخلاقی	• ارزش تحقیق
• منطق روش	• طرح تحقیق	• دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها
• روش نمونه‌برداری	• جمع‌آوری داده‌ها	• بیان واضح یافته‌ها

مرحله اول: بررسی عنوان و کلیات مطالب یافت‌شده		
تعداد مطالب یافت‌شده: ۵۵۱	تعداد مطالب حذف‌شده: ۱۴۰	تعداد مطالب باقی‌مانده: ۴۱۱
↓		
مرحله دوم: بررسی دقیق چکیده مطالب باقی‌مانده		
تعداد مطالب: ۴۱۱	تعداد مطالب حذف‌شده: ۳۰۳	تعداد مطالب باقی‌مانده: ۱۰۸
↓		
مرحله سوم: بررسی محتوا، نتایج مطالب باقی‌مانده		
تعداد مطالب: ۱۰۸	تعداد مطالب حذف‌شده: ۷۱	تعداد مطالب باقی‌مانده: ۳۷

شکل ۳. فرایند ارزیابی و انتخاب منابع

استخراج داده‌ها

تیبیین مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز در همانند ترکیب تفسیری انتقادی از روش‌های فراترکیبی است که از روش فرا قوم‌نگاری نویبت و هیر (1988) الهام گرفته است و رویکردی استقرایی و دیدگاهی انتقادی دارد، به همین دلیل شباهت‌های زیادی به این روش دارد. براساس گام‌های پیشنهادی این روش، سه مرحله استخراج داده‌ها انجام شد. در مرحله نخست متون به‌صورت جزئی کدگذاری شدند. در این مرحله ابتدا جهت اشرف محقق بر مطالب، کدگذاری اولیه به‌صورت دستی انجام گرفت تا خطوط استدلال اولیه در ذهن محقق شکل بگیرد، ولی پس از آن به جهت اطمینان‌یابی از دقت اقدامات، از نرم‌افزار MAXQDA2020 بهره‌برداری شد. در این مرحله ۲۵۰ کد اولیه به ۸۴۷ بخش (جمله یا پاراگراف) از مطالب (۳۷ منبع) ارائه شد که این اقدام با بررسی مکرر کدها، تشابه‌یابی و ادغام در مواقع لزوم صورت گرفت. سپس در مرحله دوم تم‌ها از ترکیب کدهای اولیه استخراج شدند. در واقع، کدها به‌صورت استقرایی برای کسب معانی و محتوای هر جمله یا پاراگراف ایجاد شدند. قبل از تکمیل این مرحله دوباره کل متن از لحاظ سازگاری تفسیرها و اینکه آیا احتیاج به اضافه کردن سطح جدیدی از کدها دارد یا خیر، بررسی شد که مشابه مفهوم کدگذاری محوری در تئوری برخاسته از داده‌هاست. تا این مرحله ترکیب تولیدشده بسیار نزدیک به یافته‌های مطالعات اصلی است (Thomas & Harden, 2008). در این مرحله ۲۹ تم برای پدیده خط‌مشی‌گذاری‌باز تشخیص داده شد. مرحله بعدی تحت عنوان خلق سازه‌های تحلیلی در فراقوم‌نگاری مطرح است و یا ساخت ترکیب تفسیری در فراترکیب تفسیری که در ادامه توضیحات آن ارائه می‌گردد.

ساخت یک ترکیب تفسیری

در این مرحله مطابق با روش پیشنهادی دیکسون وودز و همکاران (2006) و توماس و هاردن (2008) روی ۲۹ تم (سازه ترکیبی) استخراج‌شده، سه تحلیل انجام شد. ابتدا به ترکیب خطوط بحث (تم‌ها) پرداخته شد. سپس، ضمن تفسیر کلی آن‌ها و بهره‌گیری از یک تحلیل انتقادی که به آن ترکیب حذفی می‌گویند، سازه‌های تحلیلی به‌دست آمدند که مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز را تبیین می‌کنند و در ادامه توضیح داده می‌شوند.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در جدول زیر بخشی از کدها به ترتیب بیشترین بخش اختصاص داده‌شده ارائه گردیده است. همان‌گونه که از جدول ۳ مشخص است، کد «مشارکت یکی از پایه‌های دولت‌باز» به ۱۷ بخش (جمله یا پاراگراف) در ۱۱ منبع (مطلب) از ۳۷ منبع انتخابی اختصاص یافته است و از این حیث بیشترین فراوانی را دارد و در ادامه کدهای «شفافیت و همکاری از پایه‌های دولت‌باز هستند»، مطرح شدند.

جدول ۳. بخشی از کدها و تم‌ها به ترتیب فراوانی

تم	کد	مطالب
حکمرانی و دولت‌باز	مشارکت یکی از پایه‌های دولت‌باز	۱۱
حکمرانی و دولت‌باز	شفافیت یکی از پایه‌های دولت‌باز	۸
حکمرانی و دولت‌باز	همکاری از پایه‌های دولت‌باز	۷
دولت‌باز به‌عنوان پلتفرم	استفاده از تکنولوژی‌های دیجیتالی در دولت‌باز	۸
ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری‌باز	بازترکردن فرایند سیاست‌گذاری	۸
جمع‌سپاری، خردجمعی و تولید مشترک	جمع‌سپاری برای تولید ایده‌های مشترک	۵
دولت‌باز به‌عنوان پلتفرم	رسانه‌های اجتماعی تقویت‌کننده تعاملات بین مردم	۵
شهروند بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری‌باز	سیاست‌گذاری بهتر با تقویت تعاملات با شهروندان	۵

۵	۸	دولت‌باز	عوامل اعتمادساز
1	۸	ضرورت داده‌باز اجباری از تعاملات لایبگیری	لایبگیری شفاف
6	۸	شورای شهر و جلسات عمومی سطح متوسطی از مشارکت	مشارکت سلسله‌مراتبی است
6	۸	گفتگو در خصوص سیاست‌ها و فرایند سیاست‌گذاری	ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری‌باز
7	۸	ورود صدای شهروندان به فرایند سیاست‌گذاری	ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری‌باز
۵	۷	دولت‌باز تقویت‌کننده توسعه دموکراسی	اهداف و اثرات دولت‌باز
۵	۷	تقویت گفتگوی شهروندان با مدیران	تأثیرات مشارکت
4	۷	تقویت تعاملات با شهروندان و ایجاد دموکراسی مترقی‌تر	دولت‌باز به‌عنوان پلتفرم
3	۷	تکنولوژی، تقویت‌کننده مشارکت عمومی حتی مستقیم	دولت‌باز به‌عنوان پلتفرم
6	۷	داده‌باز منجر به افزایش شفافیت می‌شود	شفافیت یکی از پایه‌های دولت‌باز
۵	۷	شهروندان به‌عنوان منبع ایده در خط‌مشی‌گذاری‌باز	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری‌باز
۵	6	بهبود عملکرد دولت با طراحی مشترک	بهبود عملکرد نیازمند خط‌مشی‌گذاری خوب
3	6	دولت‌باز نیازمند مشارکت عمومی در توسعه، نظارت و ارزیابی	دولت‌باز: حکمرانی همگانی و مشارکتی
۵	۵	تقویت پاسخگویی در خط‌مشی‌گذاری‌باز با طراحی مشترک	خط‌مشی‌گذاری‌باز
۵	۵	درگیرسازی مردم در اجرا و نظارت (همکاری)	عوامل اعتمادساز
4	۵	در مشارکت نگاه به شهروندان فراتر از مشتری است	مشارکت عمومی
4	۵	سیاست‌گذاری بهتر	منافع داده‌باز
2	4	رویکرد آزمایشگاه، طراحی مشارکتی (همزمان با ذینفعان)	آزمایشگاه ابزار پایه‌ای خط‌مشی‌گذاری‌باز
4	4	بهره‌گیری خط‌مشی‌گذاری‌باز از جمع‌سپاری و خردجمعی	جمع‌سپاری، خردجمعی و تولید مشترک
4	4	شهروندان به‌عنوان یابنده مشکلات در خط‌مشی‌گذاری‌باز	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری‌باز
۲	۲	باشگاه شهروندی از مکانیزم‌های مشارکت عمومی	اشکال مشارکت
۱	۲	شهروندان به‌عنوان منبع نوآوری	زیرساخت‌های نوآوری‌باز
۱	۱	بودجه‌ریزی مشارکتی	اشکال مشارکت
۱	۱	جمع‌سپاری، خردجمعی و تولید مشترک	نوآوری‌باز

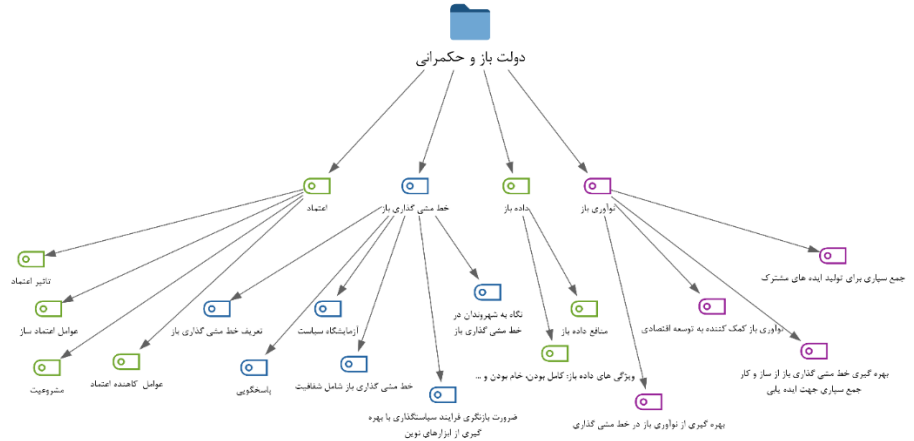
همچنین، خط‌مشی‌گذاری‌باز که یکی از موضوعات اصلی مورد تحقیق در این پژوهش است از بابت ویژگی‌ها و تعریف به قرار جدول زیر بیشترین اختصاص به بخش‌های مطالب را داشته‌اند. در جدول زیر تمایز و تقابل‌های این مدل نیز مشخص شده‌اند که این امر در روش فراترکیب مورد توجه است.

جدول ۴. خط‌مشی‌گذاری‌باز

مطالب	بخش کدگذاری	کد	
8	10	بازترکردن فرایند سیاست‌گذاری	خط‌مشی‌گذاری‌باز
6	8	گفتگو در خصوص سیاست‌ها و فرایند سیاست‌گذاری	
7	8	ورود صدای شهروندان به فرایند سیاست‌گذاری	
5	7	برقراری روابط جدید با شهروندان	
5	6	طراحی مشترک سیاست‌های عمومی با مشارکت عمومی	
4	6	جلب مشارکت متخصصان برون‌سازمانی	
3	6	خط‌مشی‌گذاری‌باز شامل شفافیت	
3	5	توسعه شبکه سیاست‌گذاری	
4	5	تأمین منافع عمومی در خط‌مشی‌گذاری‌باز با مشارکت همگانی	
4	4	خط‌مشی‌گذاری‌باز و اثربخشی	
4	4	ضرورت بازنگری فرایند سیاست‌گذاری با بهره‌گیری از ابزارهای نوین	
1	3	خط‌مشی‌گذاری‌باز خوب به دنبال خط‌مشی‌گذاری‌باز و شفاف	
1	3	در تقابل با خط‌مشی‌گذاری‌باز سلسله‌مراتبی	
3	3	در مقابل خط‌مشی‌گذاری‌باز بسته	
2	3	خط‌مشی‌گذاری‌باز افقی ظرفیت جدید خط‌مشی‌گذاری	
2	2	خط‌مشی‌گذاری‌باز و سیاست‌گذاری انعطاف‌پذیرتر	
2	2	خط‌مشی‌گذاری‌باز و انسجام سیاست‌ها	
1	2	تمتایز از خط‌مشی‌گذاری دیجیتال است	
1	1	خط‌مشی‌گذاری‌باز به معنی همه‌پرسی نیست	
1	1	خط‌مشی‌گذاری‌باز از رسانه‌های اجتماعی بهره‌برداری می‌کند	
1	1	مکمل خط‌مشی‌گذاری دیجیتال و نه جایگزین	

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در نرم‌افزار مورد استفاده، خروجی گزارش‌گیری‌شده بابت مدل آبخاری دولت‌باز و حکمرانی به قرار شکل ۴ است. همان‌گونه که در شکل ۵ مشاهده می‌گردد، پدیده دولت‌باز با ۵ بعد داده‌باز، نوآوری‌باز، خط‌مشی‌گذاری‌باز و اعتماد در اولین سطح ارتباط می‌یابد و پس از آن با تم‌های مربوطه به قرار مشخص‌شده در شکل ارتباط می‌یابد.

Single-Case Model (Code Hierarchy)



شکل ۴. نمودار آبخاری دولت‌باز و حکمرانی

امروزه یکی از وظایف اصلی دولت‌ها بازگرداندن اعتماد شهروندان، افزایش مشروعیت و کاهش سرخوردگی سیاسی شهروندان است که در این رابطه بهره‌گیری از خط‌مشی‌گذاری‌باز، داده‌باز و نوآوری‌باز بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله کانون توجه بر دولت‌باز و خط‌مشی‌گذاری‌باز متمرکز است.

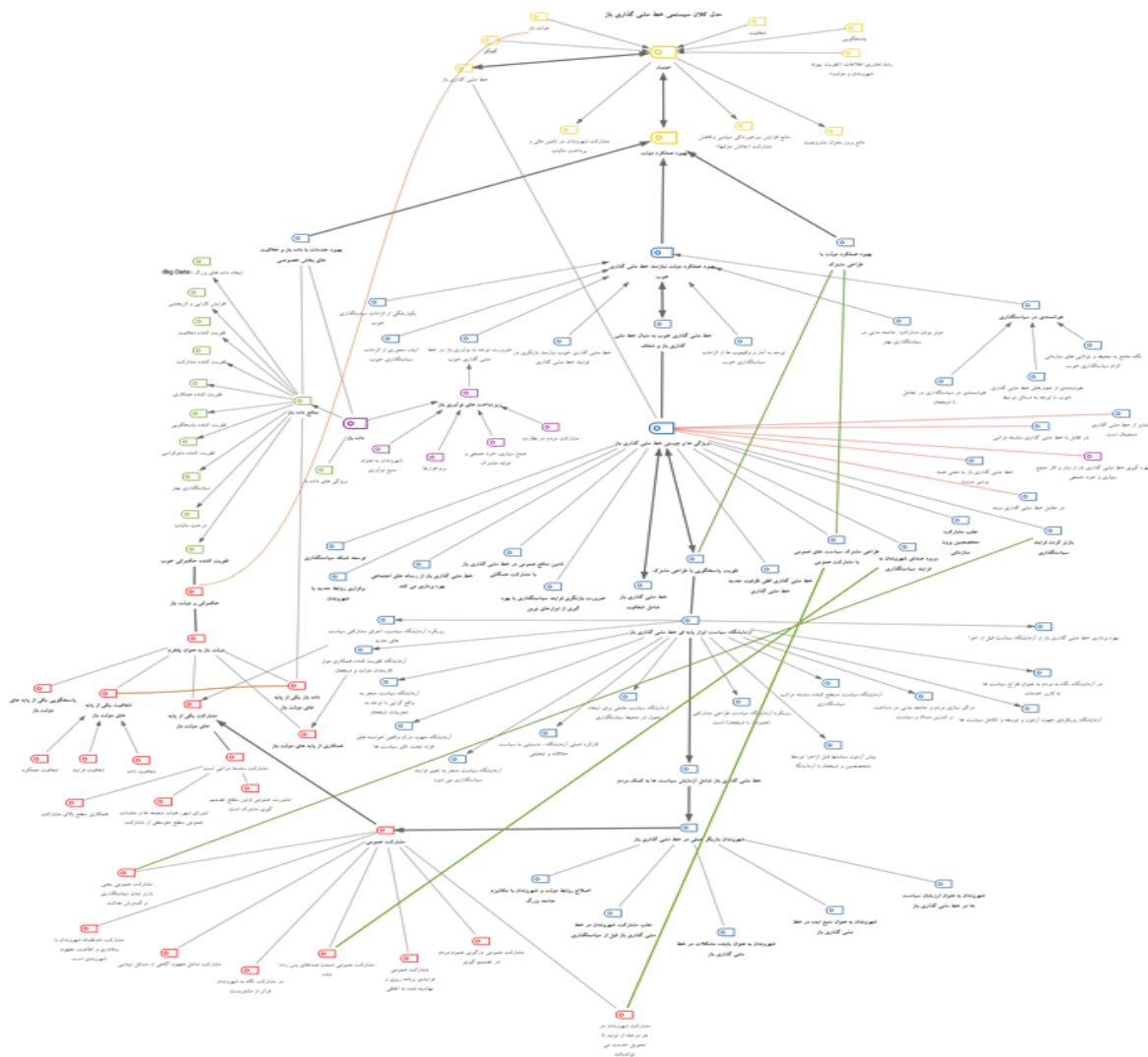
مدل ارتباطی مطالعات دولت‌باز و حکمرانی و مطالعات خط‌مشی‌گذاری‌باز در این پژوهش

همان‌گونه که بنچ و دی مطرح کردند در فراترکیب، ترجمه‌ها فقط به تفسیرهای فردی اشاره نمی‌کنند، بلکه اختلافات بین مطالعات مختلف باید مشخص گردد تا پژوهشگران دریابند مطالعات چگونه به هم مرتبط می‌شوند. لذا مدل ارتباطی که مطالعات در زمینه دولت‌باز و حکمرانی را با خط‌مشی‌گذاری‌باز به هم مرتبط می‌کند به قرار شکل ۵ استخراج شد. همان‌گونه که در این مدل مشاهده می‌گردد، کدهایی که ارتباط مشترک بین خط‌مشی‌گذاری‌باز و دولت‌باز و حکمرانی یافته‌اند، در یک نگاه کلی مواردی هستند که بر مشارکت، شفافیت، گفتگو، نوآوری، واقع‌گرایی در خط‌مشی‌گذاری و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات تأکید دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در نهایت با توجه به خط استدلال فکری ایجادشده برای پژوهشگر و تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده، مدل اولیه کلان‌ترسیم تبیین مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز در شد که با برگزاری جلسات قانونی به اتفاق متخصصان مرتبط ضمن ارائه مدل، به نقد آن پرداخته و با پالایش آن نهایتاً مدلی که در شکل ۸ نشان داده شده است، مورد توافق قرار گرفت و اعتبار آن تأیید شد که بر اساس آن و برای موفقیت در تحقق دولت‌باز می‌توان به ابعاد و جزئیات این مدل توجه نمود.

page-۳۰



شکل ۸. مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز

باید توجه داشت قطع ارتباط روزافزون بین شهروندان و تصمیم‌گیرندگان، حوزه دولت و سیاست‌گذاری را ملزم به بازمهندسی کرده است. فضاهای جدید مشارکت سیاسی از طریق گسترش ارتباطات به‌ویژه ارتباطات دیجیتال، تقویت و حتی گسترش می‌یابند. دولت‌ها می‌توانند برای تسهیل مشارکت شهروندان، از مدل‌های مختلفی از جمله دولت‌باز استفاده کنند. برای تحقق دولت‌باز با توجه به اصول شفافیت، مشارکت و همکاری، به‌کارگیری مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز ضروری است که در این پژوهش سعی شد ابعاد آن مشخص گردد. این مدل کمک می‌کند دولت بیشتر به نقش پلتفرمی خود بپردازد. بر این اساس با توجه به بررسی‌های انجام‌شده می‌توان جمع‌بندی نمود که مدل خط‌مشی‌گذاری‌باز پشتیبان دولت‌باز است. در جدول زیر می‌توان رویکردهای مورد استفاده در خط‌مشی‌گذاری‌باز که پشتیبان اصول دولت‌باز هستند را خلاصه نمود.

جدول ۵. رویکردهای مورد استفاده در خط‌مشی‌گذاری باز، پشتیبان اصول دولت‌باز

اصول دولت‌باز	شفافیت	مشارکت	همکاری
فرایند خط‌مشی‌گذاری			
شناسایی مشکل	داده‌باز	طراحی مشترک	همکاری در تأمین داده‌باز
دستورگذاری	داده‌باز		
تدوین	داده‌باز	داده‌باز نوآوری‌باز جمع‌سپاری طراحی مشترک بهره‌گیری از مکانیزم چالش	همکاری در آزمایشگاه سیاست
تصویب	داده‌باز	داده‌باز رأی‌دهی الکترونیکی	همکاری در آزمایشگاه سیاست
اجرا	داده‌باز	مشارکت در بودجه	اعتمادداشتن و پذیرش خط‌مشی‌ها
ارزیابی	داده‌باز	شرکت در طرح‌های نظرسنجی	همکاری در تأمین داده‌باز همکاری در ارزیابی با بهره‌گیری از ابزارهای نظارتی بر پایه فناوری اطلاعات
رویکردهای مورد استفاده در خط‌مشی‌گذاری‌باز			

با توجه به مطالب فوق پیشنهاد می‌گردد، براساس اصول دولت‌باز تلاش در جهت جذب اعتماد شهروندان با مشارکت‌دهی حداکثری آن‌ها و حرکت به سمت دولت‌باز و پیوستن به جنبش مشارکت دولت‌باز و یا توجه به تعهدات جنبش مذکور، ضمن استقبال از سیاست داده‌باز در دولت به تقویت نوآوری‌باز و بهره‌گیری از مکانیزم چالش برای راه‌حلیابی مسائل عمومی پرداخته و بهره‌گیری حداکثری از پلتفرم‌های مشارکت‌دهی شهروندی در دستورکار قرار گیرد. هر چند در انجام این پژوهش می‌توان به محدودیت‌هایی از قبیل کمبود منابع در حوزه پژوهش، تجربه زیسته کم پژوهشگر از مواجهه عملیاتی با مفاهیم شفافیت، مشارکت و همکاری در جامعه و فردی انجام‌شدن پژوهش تا مراحل اعتبارسنجی مدل، اشاره نمود؛ مدل ارائه‌شده ضمن مشخص کردن ارتباط ابعاد، تم‌ها و حتی کدها براساس تجزیه و تحلیل‌های صورت‌گرفته در نرم‌افزار مورد استفاده و نظرات خبرگی، کمک می‌کند تا فضای گسترده‌ای برای تحقیقات در این حوزه مانند موارد زیر فراهم آید:

- مطالعه در خصوص داده‌باز و دولت‌باز
- مطالعه در خصوص نوآوری‌باز در خدمات عمومی
- مطالعه در خصوص برنامه‌های دولت‌باز در کشورهای مختلف
- مبانی حقوقی و قانونی دولت‌باز

Reference

1. Abdolhosseinzadeh Mohammad, Sanaei Mehdi, Zolfagharzadeh Mohammad Mehdi. (2017). The concept of open government data policy and explaining its advantages and benefits in various policy areas. *Strategic Studies in Public Policy*, 7(22), 55-74. (in Persian)
2. Ani Matei and Sergiu Ioan Irimia. (2014). Open Source Governance—A More Ambitious Cousin of Collaborative Governance. *International Journal of Public Administration*, (37), 812-823.
3. Bakıcı, T., Almirall, E., & Wareham, J. (2013). A smart city initiative: The case of Barcelona. *Journal of the Knowledge Economy*, (4), 135-148. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1007/s13132-012-084-9>.
4. Ball, C. (2009). What is transparency? *Public Integrity*, (11), 293-307.
5. Bench, S., & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. *International journal of nursing studies*, (47), 487-499.

6. Bennett, C. (1985). From the Dark to the Light: The Open Government Debate in Britain. *Journal of Public Policy*, (5), 187-213
7. Bertot, J. C., Jaeger, P. T., & Grimes, J. M. (2012). Promoting transparency and accountability through ICTs, social media, and collaborative e-government. *Transforming Government: People, Process and Policy*, (6), 78-91.
8. Bremer, E. S (2013). Incorporation by reference in an open-government age. *Harvard Journal of Law and Public Policy*, (36), 131-190.
9. Chun, S. A, Shulmann, S., Sandoval, R., & Hovy, E. (2010). Government 2.0: Making connections between citizens, data and government. *Information Polity*, (15), 1-9.
10. Dawes, S. (2010). Stewardship and usefulness: Policy Principles for information-based transparency.. *Government Information Quarterly*, (27), 377-383.
11. Deckert, M., Stern, A., & Sack W. (2011). Peer to PCAST: What does open video have to do with open government? *Information Polity*, (16), 215-231.
12. Dixon-Woods, M., Cavers, D., Agarwal, S., Annandale, E., Arthur, A., Harvey, J.,... & Riley, R. (2006). Conducting a critical interpretive synthesis of the literature on access to healthcare by vulnerable. *BMC medical research methodology*, (6), 35.
13. Dulong de Rosnay, M., & Janssen, K. (2014). Legal and institutional challenges for opening data across public sectors: Towards common policy solutions. *Journal of theoretical and applied electronic commerce research*, (9), 1-14.
14. Edwards, J., & Kaimal, G. (2016). Using meta-synthesis to support application of qualitative methods findings in practice: A discussion of meta-ethnography, narrative synthesis, and critical interpretive synthesis. *The Arts in Psychotherapy*, (51), 30-35.
15. Elbadawi, I. A. (2012). The State of Open Government Data in GCC Countries. 12th European Conference on eGovernment (ECEG 2012), 193-200. Barcelona, Spain.
16. Gholipour Rahmatallah, Hamed Mohsen, Mansoorzadeh SayedAli. (2019). Provide an Open Policy Framework in the Field of Transportation. *Scientific Journal of Transportation Research*. 16(1). 137-150. (in Persian)
17. Goldar Zahra, Amiri Mojtaba, Gholipour Soteh Rahmatallah, Moazami Mansour. (2017). Designing a conceptual framework for stakeholder engagement in public policy-making. *Journal of Audit science*. 17(66). 81-105. (in Persian)
18. Hadi Paykani, Mehrabaan. (2016). An Introduction to the Process of Public Policy Making. Isfahan. Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (in Persian)
19. H. J. Scholl and R. Klischewski. (2007). E-Government Integration and Interoperability: Framing the Research Agenda. *International Journal of Public Administration*, (30), 889-920.
20. Harrison, T. M, Guerrero, S., Burke, B. G, & Cook, M. (2012). Open government and e-government: Democratic challenges from a public value perspective. *Information Polity*, (17), 83-97.
21. Kalampokis, E., Tambouris, E., & Tarabanis, K.. (2011). A classification scheme for open government data: Towards linking decentralised data. *International Journal of Web Engineering and Technology*, 6, 266-285. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1504/IJWET.2011>.
22. Lewis, J. R. (2000). FOIA and the Emergence of Federal Information Policy in the 1980s and 1990s. In E. G. D. Garson, *Handbook of Public Information Systems* 41-52. New York: Marcel Dekker.
23. Luna-Reyes, L. F & Chun, S. A (2012). Open government and public participation: Issues and challenges in creating public value. *Information Polity*, (17), 77-81.
24. McDermott, P. (2010). Building open government. *Government Information Quarterly*, (27), 401-413.
25. Mergel, I. (2012). The social media innovation challenge in the public sector. *Information Polity*, (17), 281-292
26. Mohaghar Ali, Ansari Manoucher, Sadeghi Moghaddam Mohammad Reza, Mirkazemi Mood Mohammad. (2018). A Meta Synthesis of the Modeling Methods of Complex Socio-technical Systems with a Multi Paradigm-multi Methodology Approach. *Industrial Management Journal*. 10(2). 247-278. (in Persian)
27. Mutuku, L.N., & Colaco, J.. (2012). Increasing Kenyan open data consumption: A design thinking approach.. *Proceedings of the 6th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance*, 18-21. New York, NY, USA: ICEGOV '12, ACM.
28. Noblit, G.W., & Hare, R.D. (1988). *Meta-Ethnography: synthesizing qualitative studies*. Los Angeles: Sage Publications.
29. (2009 September 15, 2012,). Open government directive. The White House. Retrieved from http://www.whitehouse.gov/sites/default/files/omb/assets/memoranda_2010/m10-06.pdf
30. (2016,). Open policy making in a digital age. Ottawa: public policy forum.
31. (April 2016). Open Policy Making in the EU Lessons and Opportunities, The Democratic Society.

32. Orszag, P. R. (2009). Open Government Directive: Memorandum for the heads of executive departments and agencies," Executive Office of the President, Office of Management and Budget. 1-11: Ed. Washington DC: The White House.
33. Parycek, P., Hocht, J., & Ginner, M. (2014). Open government data implementation evaluation. *Journal of theoretical and applied electronic commerce research*, 80–99. Retrieved from
34. http://www.scielo.cl/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0718-18762014000200007 nrm
35. Paterson, B. L., Dubouloz, C. J., Chevrier, J., Ashe, B., King, J., & Moldoveanu, M. (2009). Conducting qualitative metasynthesis research: Insights from a metasynthesis project. *International Journal of Qualitative Methods*, (8), 22-33
36. Reddick, C. & Ganapati, S. (2011). Open government achievement and satisfaction in US Federal Agencies: Survey Evidence for the three pillars. *Journal of E-Governance*,(34), 193–202.
37. Roberts, A. S. (2000). Less Government, More Secrecy: Reinvention and the Weakening of Freedom of Information Law. *Public Administration Review*. (60). 308-320.
38. Scholl, H. J., & Scholl, M. C. (2014). Smart Governance: A Roadmap for Research and Practice. *iConference*, 163–176. doi:10.9776/14060
39. Shkabaturm, J. (2013). Transparency with (out) accountability: Open government in the United States. *Yale Law & Policy Review*. (31). 1–66.
40. Smith, Kevin B. & Larimer, Christopher W. (2013). *The Public Policy Theory Primer*. Tehran: saffar Press. (in Persian)
41. Thomas, J., & Harden, A. (2008). Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews. *BMC medical research methodology*, 8, 45.
42. Tim Hughes, Kaela Scott Paul Maassen, (2012), *Improving Public Services: Guidance for developing*
43. Van Dooren, W., Caluwe, C. de, & Lonti, Z. (2012). How to measure public administration performance. A conceptual model with applications for budgeting, human resources management, and open government. *Public Performance & Management Review*, 35(3) , 489